

فاطمه افشار، بعد از سال ها زندگی و فعالیت فرهنگی در محله ایثارگران، خاطرات زیادی برای گفتن دارد

روزنامه، جایزه خرید از سوپر «نوعی»



محله گردی

ایستگاه
اول

فهیمة شهری ۸۶ سال که فاطمه افشار پا در محله ایثارگران گذاشت و در خیابان اندیشه ۹۷ ساکن شد، هیچ کدام از بولوارکشی های فعلی وجود نداشت. خانه شان حاشیه بولوار میثاق بود اما آن موقع این بولوار یک خیابان صدمتری بود. اطرافشان تعداد کمی خانه بود و بعضی از ساکنان در زمینه امور زراعی و فروش گوسفند فعالیت داشتند. از همان ابتدای سکونت، کفش آهنی به پا کرد و امور فرهنگی و عمرانی را پیگیری کرد؛ به همین دلیل هم چهره ای آشنا بین اهالی است. مرادوات زیاد او با اهالی باعث شده است خاطرات مختلفی داشته باشد که یک سر همه آن ها محله اش است.



سبزه به در سال ۸۶ که داشتیم خانه را می ساختیم، چون آهن آورده بودند، همسرم گفت نمی تواند به بیرون شهر بیاید. من و بچه ها آمدیم کنار ساختمان نیمه کاره، پیش همسر و بساط جوجه راز را انداختیم. بعد از آن هم خواهر و برادرهایمان یکی یکی به ما ملحق شدند.

وقتی در محله مسجد داشتیم، در خانه ها نماز جماعت اقامه می کردیم. پنج سال دوندگی کردیم تا بالاخره مسجد ولیعصر (ع) روبه روی خیابان آیت... مشکینی ۴۳ ساخته شد. سال ۹۲ که اولین نماز جماعت را در آن خواندیم، از خوشحالی سجده شکر به جا آوردم.

ایستگاه
دوم

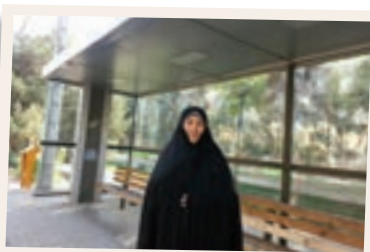
ایستگاه
سوم

ایستگاه
چهارم

از سال ۸۷ تا الان هر سال چهارشنبه سوری با همسایه ها می آییم در همین زمین های خاکی حاشیه میثاق، بین هاشمی رفسنجانی ۷۳ تا ۸۳. آتش می آوریم و آتش های کوچکی به پامی کنیم. مردم هم می آیند و از این فضا استفاده می کنند.



ایستگاه
پنجم



بعد از دو سال نامه نگاری، خط ۸۳۱ آبان سال ۱۳۹۳ از محله ما عبور کرد و خوشحال بودیم. اولین بار که سوار خط شدم، یک ساعت و نیم در مسیر بودم و دیر به مقصد رسیدم. حسابی توی ذوقم خورد، ولی کم کم به طولانی بودن مسیر عادت کردم.

زمستان سال ۹۷ که برف آمده بود، همسر و فرزندانم و همسایه ها کنار خانه مان در اندیشه ۹۷ یک آدم برفی سه متری درست کرده بودند. خیلی از رهگذران می آمدند و با آن عکس می گرفتند. بعد دیدیم شبکه خراسان هم از آن فیلم گرفته و پخش کرده است.

اولین سوپری که این اطراف برپا شد، سوپر «نوعی» در خیابان اندیشه ۷۸ بود که دیگر وجود ندارد. یادش به خیر؛ هر روز برای خرید شیر در صف می ایستادیم. به کسانی که زیاد از او خرید می کردند، روزنامه می داد. من هم مشتری پروپا قرصش بودم و همیشه برایم روزنامه کنار می گذاشت.

